ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
زندگی سلام
یک شنبه ۹ دی ۱۳۹۷
۲۲ ربیع الثانی ۱۴۴۰ ۳۰ دسامبر ۲۰۱۸
شماره ۱۹۹۹۹
۱۲۲۲

مرور رفتارهای اشتباهی که برخی کتاب‌خوان‌ها مرتکب می‌شوند

فاضل یا فضل فروش؟

الهه توانا | روزنامه‌نگار

پرونده

نزدیکی خانه‌مان مغازه کوچک بی‌زرق‌وبرقی است متعلق به پیرمردی دوست‌داشتنی. یک دیوارِ مغازه تا سقف، کتاب چیده شده؛ ادبیات، فلسفه، روان‌شناسی، دین، تاریخ و کتاب‌هایی به زبان انگلیسی که همه‌شان مال پیرمرد است و رایگان امانت می‌دهد. کاری ندارم در زمانه‌ای که گربه هم مجانی موش نمی‌گیرد، کار بی‌مزد و مواجب چقدر ارزشمند است. همسایه عزیزمان را معرفی کردم تا چیز دیگری بگویم. من پای صحبت پیرمرد نشسته‌ام. از آن‌هایی است که برای پول پای کتاب دادن، کتک‌ها خورده و گنجینه‌اش را به‌سختی جمع کرده ولی الان آن را بی چشمداشت دراختیار دیگران قرار داده‌است؛ از کسی طلب ندارد، وقتی درباره خودش حرف می‌زند، باد به غبغب نمی‌اندازد که «ما آدم‌های اهل مطالعه فلان و بهمان». حالا چرا نشنیدن این جمله برایم جالب بوده و با شما درمیانش می گذارم؟ چون با کتاب‌خوان‌های زیادی حشرونشر داشته‌ام و ادعاهای خودبینانه‌شان را شنیده‌ام و هربار از خودم پرسیده‌ام که خب چرا؟ البته که کتاب‌خوان درست و حسابی هم کم نمی‌شناسم اما رفتارهای فضل‌فروشانه و تفاخرآمیز عده‌ای از اهالی مطالعه، چیزی نیست که بشود از کنارش گذشت؛ آن‌ها درست یا غلط در چشم دیگران، تجسم دانش و آگاهی‌اند و رفتار اشتباه‌شان به‌پای کم‌وکاستی این حوزه‌ها نوشته می‌شود. کتاب‌خوان‌های فروتن بی‌ادعا در خلوت کار خودشان را می کنند و کسی نمی‌بیند که آگاهی از آدم‌ها درخت سربه‌زیر می‌سازد. درعوض مدعی‌های فضل‌فروش در بوق و کرنا می‌دمند که «ما سرآمد جهانیم» و آن‌چه به چشم می‌آید این است که کتاب خواندن آدم‌ها را خودپسند می کند. پرونده امروز، مرور اشتباهاتی است که از برخی کتاب‌خوان‌ها سر می‌زند.

مد و مصرف‌گرایی بین کتاب‌خوان‌ها

جامعه‌شناس‌ها و روان‌شناس‌ها در باب آسیب‌شناسی مصرف‌گرایی حرف‌ها زده‌اند اما ندیده‌ام کسی به مصرف‌گرایی کتاب‌خوان‌ها اشاره‌ای کند. ایجاد نیاز کاذب در بازار نیازمند توجه است، تن دادن مردم به این نیازها هم همین‌طور. متخصصان علوم انسانی هشدار می‌دهند که جامعه مصرف‌زده، جامعه سالمی نیست؛ توصیه می کنند که پیروی از مد، فقط جیب را نشانه نمی‌گیرد و پیامدهای منفی زیادی دارد اما کسی درباره رفتارهای مشابه بین کتاب‌خوان‌ها صحبت نمی کند. چرا؟ چون هیس! مردم همین‌طوری هم کتاب نمی‌خوانند وای به‌روزی که از آن ها انتقاد کنی و بگویی حرص کتاب خریدن، همان‌قدر اشتباه است که مثلا حرص کفش خریدن. همان چندباری هم که چندنفر در این باره تذکرهایی داده‌اند، حرف‌شان خریدار نداشت. مثلا شنیده‌ایم که نمایشگاه کتاب علی‌الاصول باید جایی برای ارتباط نویسنده‌ها و ناشرها و مخاطب‌ها با یکدیگر باشد نه محل فروش عمده کتاب؛ مردم در ۱۰ روز نمایشگاه نیاز چندماهه‌شان به کتاب را تأمین می کنند و به کتاب‌فروشی‌ها به‌خصوص محلی‌ها و گمنام‌ها ضربه بدی وارد می‌شود اما کو گوش شنوا؟ غیر از روزهای نمایشگاه، تخفیف‌های فصلی مثل طرح پاییزه و زمستانه هم کتاب‌خوان‌ها را به بازار می کشاند تا کیف و کوله‌شان را پر و خودشان را با این منطق که کتاب خوب است پس حرص کتاب خریدن هم چیز بدی نیست، راضی کنند. بعضی‌های‌شان هربار از جلوی کتاب‌فروشی رد می‌شوند، دست‌وپای‌شان سست می‌شود و اختیار از کف می‌دهند و کلی کتاب می‌خرند که فرصت خواندن همه‌شان هیچ‌وقت دست نمی‌دهد اما نه خودشان و نه دیگران ایرادی به کار وارد نمی‌دانند چون کتاب را صرف‌نظر از خوانده‌شدن یا نشدن، دارای ارزش ذاتی می‌دانند. بعضی کتاب‌خوان‌ها هم مجموعه درست می کنند؛ نه لزوما به این دلیل که همه کتاب‌های یک نویسنده یا مترجم یا ناشر خوب است بلکه به همان دلیلی که مجموعه‌دارها قوطی کبریت یا مثلا تمبر جمع می کنند. غیر از کتاب‌خوان‌های مصرف‌گرا، اهل مطالعه پیرو مد هم داریم. هر از گاهی کتاب جدیدی مد می‌شود و خیلی‌ها برای عقب نماندن از قافله شروع به خریدن آن می کنند. این‌طوری می‌شود که یک رمان زرد بی خاصیت یا یک ترجمه افتضاح، در مدت کوتاه به چاپ چندم می‌رسد و خزعبل‌نویس‌ها و کاسب‌های بازار نشر، روزبه‌روز پولدارتر می‌شوند. اگر کتاب را مصرف می کنید و مُد تحت تأثیر قرارتان می‌دهد، شما از دوست کتاب‌نخوان‌تان آدم بهتری نیستید.

نمایش‌گری و کالایی‌شدن کتاب

چندوقت پیش عکسی از یک عروس و داماد در کتاب‌فروشی دیدم. چرا؟ چون توی تالار ناگهان یادشان آمده باید کتاب مهمی می‌خریده‌اند؟ یکی از مهمان‌ها کتاب خوبی معرفی کرده و زوجِ فرهیخته از ترس تمام شدن چاپ آن، سراسیمه خودشان را به کتاب‌فروشی رسانده‌اند؟ کجای این رفتار، جالب است؟ اصولا ما به چسباندن اهداف متعالی به رفتارهای نمایش‌گرانه علاقه عجیبی داریم. عروس و داماد می‌روند سر جلسه کنکور به‌جای این که بپرسیم خب چرا برنامه مجلس عروسی‌شان را طوری نچیده‌اند که با کنکور مغایرت نداشته‌باشد می گوییم «به‌به چه زوج درس‌خوانی!». خانم معلم با لباس سفید که به‌زور جلوی پایش را می‌بیند می‌رود سر کلاس، ایضا به‌جای پرسیدن همان سوال، خوشحال می‌شویم که «چه معلم به درس اهمیت‌دهنده‌ای!». حالا چرا وقتی عوام‌الناس از توی چشم بودن خوش‌شان می‌آید به ادا و اصول کتاب‌خوان‌ها ایراد می گیریم؟ چون آن‌ها خودشان را نه از جنس بقیه که از دایره تنگِ خواص می دانند و با وجود این مدام از زوایای مختلف کتابخانه‌شان عکس می گیرند و می گذارند اینستاگرام. فرق بین نمایش کتاب‌های حجیم و کمیاب و فخرفروشی با انواع دیگر دارایی مثل جواهر و لباس چیست؟ در ذات البته تفاوت دارند؛ کتاب سرمایه فرهنگی است آن دیگران، سرمایه مالی اما وقتی با کتاب مثل چیزی برای تفاخر رفتار می‌شود، ارزشش تا سطح کالا پایین می‌آید. مناسبت‌های تقویم هم برای کتاب‌خوان‌ها حکم طلا را دارند. همان‌طور که مثلا کریسمس برای بعضی هم‌وطنان غیرمسیحی‌مان فرصت خوبی است برای نشان دادن خارجی بودن شان، روز کتاب‌گردی و سالروز تولد و فوت نویسنده‌ها هم برای بعضی کتاب‌خوان‌ها فرصت مغتنمی است تا فرهیختگی‌شان را اثبات کنند؛ بعضی‌های‌شان در این روزها دورهم جمع می‌شوند و برای بقیه دنیا که در جمع آن‌ها نیستند و حتما نادان هستند، ابراز تأسف می کنند؛ بعضی‌های‌شان هم به ابراز تأسف در صفحه‌های شخصی‌شان اکتفا می کنند؛ بسته به مناسبت، یا کتاب‌های تازه خریده‌شان را به اشتراک می گذارند و به حالِ فرهنگ مردم افسوس می‌خورند یا برای سالروز فوت نویسنده‌ای مطلب می‌نویسند و برای فرهنگ مردمی که در فراق او گریبان چاک نمی‌کنند، افسوس می‌خورند. اگر مطالعه برای‌تان ابزارِ خودنمایی است، شما از دوست کتاب‌نخوان‌تان آدم بهتری نیستید.

ما فرهیخته‌ها، شما نادان‌ها!

در بین همه اشتباه‌های کتاب‌خوان‌ها به نظر من این یکی از همه نابخشودنی‌تر است؛ خط‌کشی. بعضی کتاب‌خوان‌ها خودشان را متعلق به طبقه‌ای ممتاز می‌دانند و صاحب‌نظر در همه‌زمینه‌ها و گل سرسبد عالم. دست‌بالا گرفتن خود معمولا با دست‌پایین گرفتن دیگران ملازم است و نتیجه؟ برخی معلم‌های پرادعایی که دانش‌آموزهای‌شان را تحقیر می کنند؛ خودم یکی‌شان را می‌شناختم. آدم اهل مطالعه‌ای بود اما نمی‌فهمید که ۲۰ سال تفاوت سنی‌اش با ما طبیعتا زمان بیشتری برای خواندن دراختیار او گذاشته‌است و ما یک مشت بچه ۱۶-۱۵ ساله دشمنان فرهنگ نیستیم. طرح‌های بی‌فایده تبلیغ کتاب‌خوانی را هم همین خودبین‌ها پیشنهاد می‌دهند. آن‌ها معتقدند دیگران، آدم‌های سطحی و کم‌فهمی هستند پس باید به‌زور جایزه و تشویق وادار به خواندن‌شان کرد. مسابقه طراحی می کنند و بَنِر می‌زنند و رسانه‌ها را به خدمت می گیرند تا رفتاری درست را به شیوه‌ای سخیف آموزش بدهند؛ صرف‌نظر از این که اساسا خودشان در جایگاه آموزش دادن هستند یا خیر و کتاب‌هایی که پیشنهاد می‌دهند ارزش خواندن دارند یا خیر. آن‌ها کاری به دلایل کتاب‌نخواندن، ندارند. جمله «سرانه کتاب‌خوانی در کشور ما پایین است» را نچ‌نچ‌کنان سرلوحه کارشان قرار می‌دهند و دیگران را بچه هایی فرض می کنند که باید با قاقالی گول‌شان زد. کتاب‌خوان‌های خودبرترببن همه‌جا و در هر قشری پیدا می‌شوند؛ نویسنده‌ها، شاعرها، حقوقدان‌ها، پژوهشگرها، هنرپیشه‌ها، دانشجوها، بیکارها، کتاب‌فروش‌ها و روزنامه‌نگارها. آن‌ها از هر فرصتی برای غرزدن و سخنرانی و نسخه‌پیچی استفاده می کنند. هر رفتار غلط و اتفاق بد و بلا و مصیبتی را می‌اندازند گردن کتاب‌نخوان‌ها و درباره نقش و تأثیر خودشان، هیچ توضیحی ندارند. اگر فکر می کنید جامعه‌ای که بیشتر مردمش کتاب نمی‌خوانند، پیشرفت نمی کند درست فکر می کنید؛ اما لازم است بدانید کتاب‌خوان‌هایی که به‌جای آراسته بودن به انواع فضایل اخلاقی به فضل‌فروشی شهره‌اند هم کمکی به پیشرفت جامعه‌شان نمی‌کنند.

افسانه کتاب‌خوان‌های خوب

مدتی است متن‌هایی در فضاهای مجازی دست‌به‌دست می‌شود درباره کمالات کتاب‌خوان‌ها؛ «کتاب‌خوان‌ها آدم‌های بهتری هستند. عاشق کتاب‌خوان‌ها شوید. کتاب‌خوان‌ها باهوش و باشعور و آدم‌حسابی و دوست‌داشتنی و خلاصه مجمع تمام خوبی‌های عالم هستند.» این گزاره‌های اغراق‌آمیز مثل ادعاهای طالع‌بین‌ها، براساس یک نقطه اشتراک و با نادیده گرفتن عمدی همه نقاط تفاوت، مشترکین را واجد ویژگی‌هایی می‌دانند؛ همه کسانی که در آذرماه به دنیا آمده‌اند، دست‌ودل‌باز و مهربان‌اند؛ همه کسانی که کتاب می‌خوانند، درستکار و فهمیده‌اند. همان‌طور که طالع‌بین‌ها دل‌شان نمی‌خواهد آذرماهی‌های خسیس و خشن را به‌حساب بیاورند، برخی کتاب‌خوان‌های متظاهر و فخرفروش هم در گروه‌بندی کتاب‌خوان‌ها و کتاب‌نخوان‌ها عمدا نادیده گرفته می‌شوند؛ پُرخوان‌هایی که ذهن‌شان پر و دست‌شان خالی است، کلی قصه و حکایت بلدند اما در عمل پای‌شان می‌لنگد چون لزوما هر دانستنی به عمل یا بهتر بگوییم به‌عمل درست منجر نمی‌شود. بین اهالی مطالعه، کم‌نیستند کسانی که اندازه کتابخانه‌شان آن‌ها را درباره حجم آگاهی‌شان به اشتباه می‌اندازد درحالی که اصولا دانایی با عدد و رقم قابل سنجش نیست؛ هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند چوپان بی‌سوادی که تمام روزش را در طبیعت می گذراند از استاد دانشگاه کمتر می‌فهمد. کتاب، چندورق سفیدِ سیاه‌شده است که می‌تواند ناقص فهمیده یا اشتباه درک شود. آدم سرشار از تعصب یا اصولا سراغ کتاب‌های خلاف باور و عقیده‌اش نمی‌رود یا لزوما خواندن آن‌ها در او تغییری به وجود نمی‌آورد. هر کتاب دست گرفتنی، چیزی به آدم اضافه نمی کند و اصلا هر کتابی چنین خاصیتی ندارد. چه خواندن و چطور خواندن مهم است. اگر کتاب‌خوان هستید به افسانه "کتاب‌خوان‌های خوب" دل‌خوش نکنید؛ هیچ دلیلی وجود ندارد که شما از دوست کتاب‌نخوان‌تان آدم بهتری باشید. بدیهی است همه این ها را نگفتیم که نتیجه بگیریم کتاب نخوانید، بلکه حرف این است که به مجرد کتاب‌خوانی توهم دانایی پیدا نکنیم.

جدول سخت [شماره ۵۰۶]

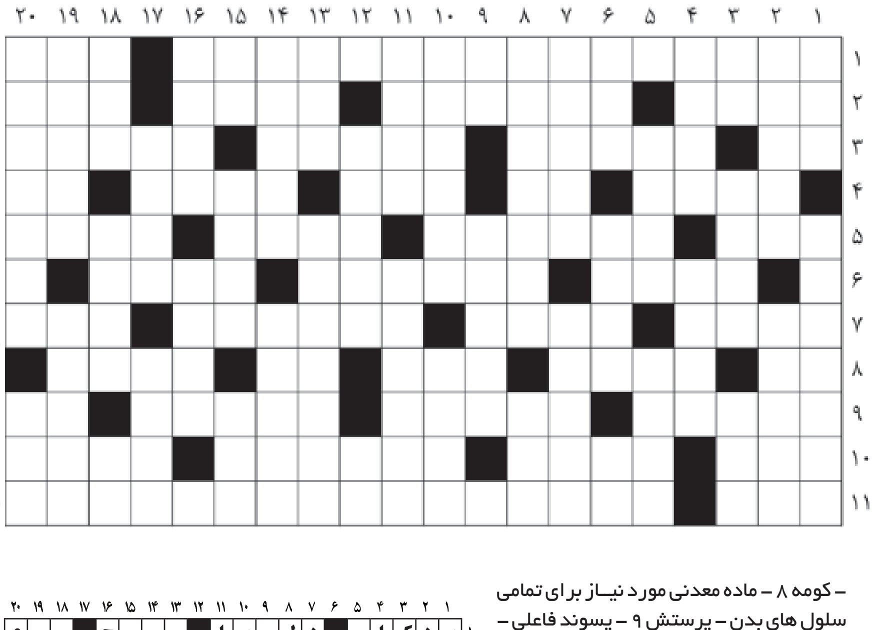

طراح جدول: بیژن گورانی

افقی: ۱ – از رایج‌ترین ابزارهای جنگ نرم – گنجشک ۲ – نیرنگ – دریانورد و کاشف بریتانیایی که چند سفر به قطب شمال داشت – مرتفع‌ترین آبشار جهان – کلمه پرسش ۳ – نشانه صفت تفضیلی – کنترل دقیق – مقدمه چینی – عقاب سیاه ۴ – رشته ای در شمشیر بازی – ترش و شیرین – زیرکی – پارچه باریکی که به لبه آستین دوخته می شود – شخص ۵ – پاک و پاکیزه – تابلویی زیبا از پابلو پیکاسو – بی بنیاد – جلگه پهناور در نواحی نیمه خشک ۶ – از یاران امام حسین(ع) – تکرار مطالب در ذهن خود – بی نظیر ۷ – فرزند به زبان کردی – ژرف اندیشی – خاندان رسول اکرم(ص) – جزئی از هر عدد صحیح ۸ – از القاب اروپایی – شیشه آزمایشگاهی – ناچیز – روحانی زرتشتی – از بخش های اوستا ۹ – دسیسه – دستگاه قدیمی نمایش‌فیلم – پشیمانی – درختچه ای گرمسیری ۱۰ – بینی – نخستین نشریه بانوان ایران – سردار کارتاژ – ذخیره ۱۱ – نی باریک – در علم پزشکی به نوار قلب گفته می شود.

عمودی:
۱ – گروهی از میوه های گوشتی و آبدار – نام قدیم مازندران ۲ – تحقیق و پژوهش درباره موضوعی – شهری در ایتالیا ۳ – لقب سلاطین پیشدادی – از درختان جنگلی شمال ایران – کودک ۴ – وزیدن باد – دست آموز ۵ – عنصری گازی و کمیاب – هدیه دادن ۶ – پاداش – ضرباهنگ – زائو ترسان ۷ – گلی زیبا و خوشبو – کومه ۸ – ماده معدنی مورد نیاز برای تمامی سلول های بدن – پرستش ۹ – پسوند فاعلی – جسم ۱۰ – نوعی سوسیس بلند – مشگین‌شهر سابق ۱۱ – از هفت قلم آرایش قدیم – نوعی ترانه شاد نواحی جنوب ایران ۱۲ – از نام های دوزخ – بله آلمانی ۱۳ – همنشین برهمن – روضه خوان ۱۴ – شاخه ای از ریاضیات – شهر قصه های هزار و یک شب ۱۵ – دندانه سوهان – قطعی برای کتاب – شیمی کربن ۱۶ – شب سی ام آذر – دست محبت بر سر او بکشید ۱۷ – آفت ها – بزرگ و عظیم ۱۸ – سنگین‌ترین حیوان – مقیم – طلا ۱۹ – صندلی کلاس – مدفن امام هادی(ع) ۲۰ – فدایی – امپراتوری قدیم.

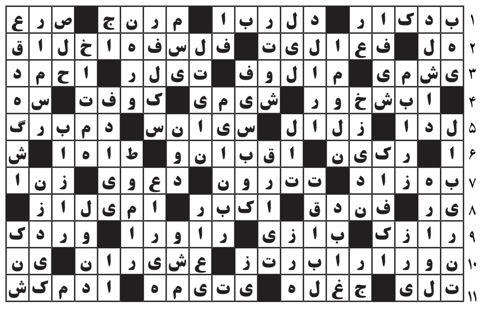

حل جدول شماره ۵۰۵

جدول متوسط [شماره ۷۲۹۵]

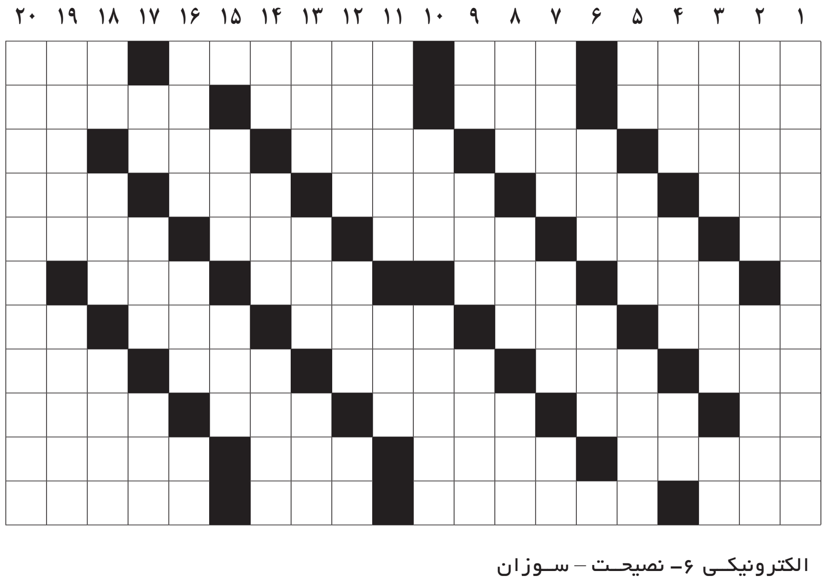

طراح جدول: مجید شادروح

افقی

۱ – نگهبان – شادی – راست – نوعی حلزون ۲ – واله – عدد مجهول – از انواع شنا – پایتخت تبت ۳ – گردآورنده – دورافتاده – تابناک – بدهی – مایه حیات ۴ – دیوار گلی – لیست غذا – واحد شمارش، برابر با پانصدهزار – میان – محله ای در پایتخت ۵ – برگ برنده – رشته‌ای که در پهنای پارچه بافته می‌شود – ابریشم مصنوعی – عدل – نمکین ۶ – امر به دوختن – گره – مردم – یاری ۷ – اندیشمند – بحرانی – نمایش غمناک – ابزار کشاورز – خط کش مهندسی ۸ – کشور هفتاد و دو ملت – تیغ – جامه – چرک – برنامه پرطرفدار ورزشی ۹ – گوشت ترکی – پرنده آش سردکن – الهه هندی – رنج – گاف ۱۰ – از اعیاد باستانی – منافق – شهر بلقیس – گوشه ها ۱۱ – چین و شکن – مستعمل – سنه – حاجب

عمودی

۱ – خواننده پاپ با آلبوم شکوه ۲ – گیاهی با ساقه‌های نازک، سفید و ترش‌مزه – شمارنده ۳ – فرودگاهی در جنوب پاریس – محصول آتش – بینش ۴ – کوه سیمرغ – پسر – جهت ۵ – ریشه – میوه گرمسیری – از اجزای الکترونیکی ۶ – نصیحت – سوزان ۷ – پشتک – دفعه – خون ۸ – بهشت – زیرک – بهره ۹ – وحشی – ترفند – موثر ۱۰ – مرکز خراسان قدیم – فرمان ۱۱ – پنهان – فلز چهره ۱۲ – تخت – گره دریایی – چاشنی دوسویه ۱۳ – ساز تیره – تله – پرهیز ۱۴ – بگو به زبان عربی – بم‌ترین صدا در موسیقی – بخیه درشت ۱۵ – نظر – سرزمین ۱۶ – نرم کننده – مسمار – آخرین حرف انگلیسی ۱۷ – نفس خسته – نمونه – مهمانی ۱۸ – علامت مفعولی – فرزند – جانشینان ۱۹ – سهولت – سرمه ۲۰ – بازیگر فیلم به وقت شام

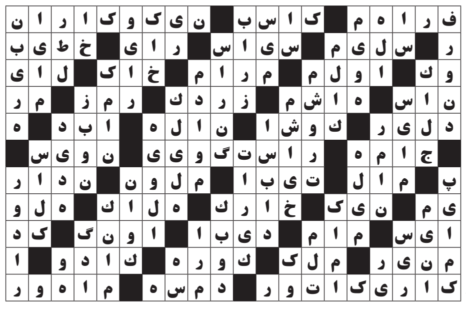

حل جدول شماره ۷۲۹۴